



<http://www.arianafghanistan.com>



برلین - ۱۳ اکتوبر ۲۰۱۸



خلیل الله معروفی

اولین مشق لغت - "جُوحَبَل"

خاطره ای مربوط به صنف پنجم را از آرشیف قفس سینه برون می‌آرم، که اینک شست و پنج، شست و شش سال تخت از آن می‌گذرد. صنف پنجم - و یا خدا گردنم را نگیرد - حتی صنف چارم مکتب محبوب القلوب و جلیل حبیبیه بود و ما شاگردان شاد و بازیگوش و سرشوخ، ولی ساعی و کوششی. در زمانه‌های قدیم و در روزگاری، که ما و "ازما بهتران" تعلیمات ابتدائی را در مکتب فرا می‌گرفتیم؛ زمان، زمان دیگری بود و درس و تعلیم هم به پیمانۀ دگری. مانند امروز نبود، که از مکتب فارغ شوی و بکلوریا و به گفته عوام کابلجان "قواله روبه" داشته باشی و یک جمله درست نتوانی نوشت. در آن وقت سطح و سوئے تعلیم و تعلّم در درجه و مرتبه ای قرار داشت، که امروز نمیتوانش حتی در خواب هم دید. و از جملات تشریفاتی و "کاسه چینی مانند" ۳، که بگذریم:

در کتاب مضمون دری، که در آن زمان به ناروا و به غلط "فارسی" خوانده میشد، این حکایت از بوستان همیشه‌بهار سعدی شیرازی درج شده بود:

یکی در بیابان سگی تشنه یافت	بدون از رمق، در حیانتش نیافت
گله دلو کرد، آن پسندیده کیش	چو حبل اندران بست دستار خویش
به خدمت میان بست، و بازو گشاد	سگ ناتوان را دمی آب داد
خبر داد پیغمبر از حال مرد	که داور گناهان از او عفو کرد

....

مؤلف کتاب، لغات دُشوار را در زیر هر صفحه معنی کرده بود، بدین ترتیب، که در متن لغات را با اعداد نشانی کرده و بعد در آخر همان صفحه زیر نام اعداد، معنای لغات را درج کرده بود. بر همین سبیل در عقب لغت "حبل" عددی نگاشته و در پاورقی صفحه در ذیل عدد مربوط، معنای لغت آورده شده بود؛ "ریسمان".

۱ - "ازما بهتران" اصلاً کنایه ای ست، که در افسانه‌های "جند و پری"، به جن و اجنه اطلاق میشد. در متن بالا مگر "ازما بهتران" کنایه از کسانی ست، که از ما پیشتر مکتب را پاس کرده بودند و سوئے تعلیمی ایشان از ما بالاتر بود.

۲ - "قواله روبه" (قباله روبه) کنایه تمسخرآلود بود، از "سند بی ارزش تحصیلی".

۳ - ترکیب "کاسه چینی مانند" تلمیحی ست بر بیت مشهوری، که گوید:

کاسه چینی، که صدا میکند

خود صفت خویش ادا میکند

پس حاصل چنین ترکیبی، گویا خودستائی یا صفت خود را کردن است.

دوست پهلوفیل من "غلام ربانی" نام داشت، که اتفاقاً کوچگی ما نیز بود و در کوچه به نام "چوچه" معروف گشته بود. بعضاً او را از روی حسن نیت و یا تحبیب، "چوچی" هم صدا میکردند. چوچه و من کمر بسته بودیم، که تمام لغات کتاب را حفظ کنیم و پیش از آن، که نوبت دروس نو برسد و معلم دری آنها را برای ما بخواند و تشریح کند، ما خود و از دل خود لغات مربوط هر صفحه را یاد داشته باشیم؛ و بدین وسیله یک قدم پیش از همصنفان خویش. هرکدام ما نزد خود لغات را میخواندیم و حفظ میکردیم و برای کنترل معنای لغات را از یکدیگر میپرسیدیم. نمیدانم، که من بودم و یا چوچه، که ضمن صفحه حکایت منظوم بالا پرسیدیم:

"چوحبل"؛ یعنی چه؟؟؟

و جواب واضح بود، که "ریسمان" بود. در هر صورت مادو نفر با اطمینان کامل فکر کرده بودیم، که "چوحبل" یک لغت است و آن بر وزن "مزخرف و مطمئن و مبرهن و مسلسل" و از قبیل ترکیب "مُتَّجِن" و در معنای "ریسمان" یا "ریسمان"؛ چنان، که هر وقت از یکدیگر سؤال میکردیم، میگفتیم "چوحبل" چه معنی دارد؟؟؟ این کار را هر دو ما میکردیم؛ هم چوچی و هم من. تا اینکه نوبت آن درس رسید و وقتی معلم صاحب دری ما "شیر محمدخان" - که یادشان با تکریم و تبجیل باد - آن داستان را خواند، فهمیدیم، که "چوحبل" نیست، بلکه "چوحبل" است؛ یعنی این یک لغت بسیط نیست، بلکه یک ترکیب است و آن هم مرکب از "جو" و "حبل".

این بود داستانی، از آن طرف سالیان متمادی قدیم، که هرچه بوده بوده، ولی میتواند اولین مشق و تمرین این قلم در رشته "لغت" و "دستور زبان" بوده باشد.

اینک، که به گذشته های "پس نگشتنی" نظر می اندازم، بسا چیزها را بیخی و از بیخ و ریشه دگرگون میبینم. نه از آن دوست عزیزم "چوچه" - غلام ربانی - اثری ماند و نه از دوست همزمش "بشیر بهمن"، که جوانی رشید گشته بود و در سرک "چاه رهداری" و نزدیک "سر چارسوی باغ قاضی" و متصل "دکان کله گاو"، دقیقاً در خانه مقابل خانه چوچه شان، سکونت داشت. هر دو، که بعدها از فعالان "جریان دیموکراتیک نو" و به گفته غلط "جریان شعله" و "شعله نی" بودند، قربانی بلافصل دوره پلیدی "خلق - پرچم" گشتند، همان قسمی، که هزاران هزار هموطن دگر ما نیز قربانی آن رژیم جنایتکار و دیندار خدا و رسول، گردیدند.

(خلیل الله معروفی - برلین - دهم اکتوبر ۲۰۱۸)

